

امکان سنجی افاده نظام صدور مجوز آثار هنری از قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران

وحید آگاه*

تاریخ پذیرش: ۹۵/۱۱/۲۷

تاریخ دریافت: ۹۵/۷/۱۵

چکیده

نظارت بر آثار هنری به دو شیوه عمده صورت می‌گیرد: یکی، رصد «پیش و حین تولید» و «قبل از عرضه» و دیگری، «تولید و عرضه آزاد» و نظارت قضایی بعد از آن. با توجه به اصل بودن آزادی و استثنایی بودن محدودیت‌های آن و تبعاً نظام صدور مجوز، برقراری این نظام که هنرمند را برای آفرینش و نمایش اثر هنری، نیازمند اجازه گرفتن از حکومت می‌داند؛ نیازمند عدم مغایرت با قانون اساسی است. در ایران اما، از ابتدای پیروزی انقلاب اسلامی تاکنون، نظام صدور مجوز در عرصه هنر به‌ویژه موسیقی، تئاتر و سینما برقرار بوده و به این خاطر در نوشتار حاضر، قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران از منظر برقراری نظام صدور مجوز آثار هنری، امکان سنجی شده و با تفسیری جامع و کل‌نگر، غایی، معطوف به چرایی تصویب قانون اساسی و شیوه تفسیر در عرصه حقوق عمومی، این نتیجه حاصل شده که با عنایت به مبانی نظری قانون اساسی ایران، منعکس در: (۱) مقدمه قانون اساسی، (۲) مبانی جمهوری اسلامی، (۳ و ۴) جایگاه ویژه حق‌ها و آزادی‌ها در اصول متعدد، نیز منزلت حق‌های خاص در قانون اساسی که در گستره هنر و آثار هنری نیز حاکم هستند و در کل، اصولی چون ۷، ۲۲ تا ۲۵، ۵۶، ۸۶ و ۱۷۵؛ تعبیه نظام صدور مجوز آثار هنری مغایر با قانون اساسی بوده و نظر این قانون به نظام تعقیبی بوده است، نه نظام تأمینی.

کلید واژگان

تفسیر - نظام صدور مجوز آثار هنری - قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران - نظارت بر آثار هنری.

* استادیار حقوق عمومی، دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران.

مقدمه

حقوق به‌عنوان امری اعتباری، هنر را نیز همچون سایر پدیده‌های انسانی، بر گرفته و در ایران هم از ابتدای پیروزی انقلاب اسلامی، آثار هنری به‌ویژه در سه عرصه موسیقی، تئاتر و سینما با نظام حقوقی صدور مجوز روبه‌رو بوده است. به‌نحوی که هم اکنون، نقش حکومت در ایجاد آثار هنری و عرضه آن، بسیار پررنگ و گسترده بوده و اصولاً آثار در زمینه‌های یاد شده، نیازمند مجوز از جانب حکومت هستند. چنان‌که در سینما و موسیقی، اولاً: بندهای ۲۲ و ۲۳ ماده ۲ قانون اهداف و وظایف وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی مصوب ۱۳۶۵/۱۲/۱۲ به « صدور اجازه تأسیس یا انحلال مراکز، مؤسسات و مجامع هنری، سینمایی، سمعی و بصری، فیلم‌سازی، سناریو نویسی و تولیدکنندگان نوار سمعی و بصری» اشاره دارد. ثانیاً: ماده ۲ قانون نحوه مجازات اشخاصی که در امور سمعی و بصری فعالیت‌های غیر مجاز می‌نمایند مصوب ۱۳۷۲/۱۱/۲۴ با بیان اینکه «هرگونه فعالیت تجاری در زمینه تولید، توزیع، تکثیر و عرضه نوارهای صوتی و تصویری نیاز به اخذ مجوز از وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی دارد»، متخلفان را مستحق «جریمه نقدی از یک تا ده میلیون ریال» می‌دانست. حکمی که در تصویب مجدد این قانون مصوب ۱۳۸۶/۱۰/۱۶ با اضافه شدن «لوح‌های فشرده» و افزایش جزای نقدی به ده تا صد میلیون ریال تکرار شد. ثالثاً: دو آیین‌نامه «نظارت بر نمایش فیلم و اسلاید و ویدیو و صدور پروانه نمایش آنها» و «بررسی فیلم‌نامه و صدور پروانه فیلم‌سازی» مصوب سال‌های ۶۱ و ۶۸ هیئت وزیران و اصلاحات بعدی آنها که در دو محله تولید و نمایش، نظام صدور مجوز را در سینما به‌طور جامع برقرار نموده‌اند. رابعاً: سه آیین‌نامه «نحوه صدور مجوز تأسیس مراکز صداگذاری، صداپردازی و ضبط آثار صوتی (استودیو، صداگذاری و صداپردازی موسیقی و آثار صوتی)»، «نحوه صدور مجوز تأسیس مؤسسات، شرکت‌ها و مراکز تهیه، تولید و تکثیر آثار صوتی» و «نظارت بر اجرای برنامه‌های صحنه‌ای موسیقی و نحوه صدور مجوز اجرا و تبلیغات» مصوب ۱۳۷۹/۷/۷ وزیر فرهنگ؛ که نظام صدور مجوز را در عرصه عرضه موسیقی یعنی آلبوم و کنسرت، تثبیت نموده‌اند. در زمینه تئاتر نیز، ابتدا آیین‌نامه نظارت بر نمایش و صدور پروانه نمایش مصوب ۱۳۷۱/۷/۲۶، سپس، ضوابط نظارت بر نمایش و صدور پروانه مصوب ۱۳۷۹/۲/۶ شورای عالی انقلاب فرهنگی، تئاتر را هم، در دایره اخذ پروانه و اجازه از حکومت محدود نموده‌اند.

اما دخالت و نظارت حکومت‌های در مقوله هنر به صدور مجوز، محدود نبوده و نظام تعقیبی نیز مطرح است. توضیح اینکه در نظام تأمینی که به نظام پیشگیرانه و بازدارنده نیز خوانده می‌شود، هنر برای خلق و ارائه می‌بایست به صورت پیشینی و از قبل، حکومت را در جریان بگذارد. فرایندی که در دو گونه کلی «اعلام قبلی» و «اجازه قبلی» اعمال می‌شود. در طریقه اعلام قبلی، هنرمند گاهی در زمان آغاز خلق و تولید برخی آثار هنری مثل تئاتر و فیلم و غالباً در هنگام نمایش آنها، صرفاً این مهم را به حکومت اطلاع می‌دهد تا فارغ از بحث آمار، زمینه برای حمایت‌های حکومت یا بخش خصوصی فراهم شود. اما در شیوه «اجازه قبلی» یا صدور مجوز، «اعلام»، جای خود را به «اجازه» پیشینی یا اذن می‌دهد. نظامی که ابتکار عمل را از هنرمند گرفته و آن را به حکومت می‌سپارد، زیرا، هنرمند قبل از طی تشریفات مشخص و جلب رضایت حکومت در قالب «مجوز»، قادر به تولید یا نمایش اثر خود نیست. با این وصف، نظام صدور مجوز، حق‌های هنری نظیر حق بر آزادی بیان هنری و حق بر آزادی انتخاب شغل یا حرفه هنری را تحت تأثیر قرار می‌دهد. چنان‌که اجبار هنرمند به اخذ مجوز برای تولید یا عرضه، آزادی بیان هنری او را نقض و از معنا تهی می‌کند، زیرا، وقتی قرار است برای اثر هنری (به‌ویژه برای تولید آن)، اول اجازه گرفت و بعد، اقدام نمود؛ صحبت از آزادی، گزاف می‌نماید؛ چه رسد که بخواهیم از آزادی بیان، آن هم از قسم خاص هنری‌اش سخن بگوییم. نیز نتایج منفی این نظام، یعنی مخالفت با تولید یا عرضه آثار هنری یا ممیزی شدید آن، به تدریج، هنرمند را به این نقطه می‌رساند که حرفه هنرمند، امنیت شغلی نداشته و حیات و ممت این حرفه، در ید حکومت است.

اما نظام تعقیبی یا تنبیهی، موکول به اعلام یا اجازه قبلی نبوده و اساساً صلاحیتی برای حکومت، قبل و حین تولید و عرضه آثار هنری، پیش‌بینی نکرده است. در این شیوه، اصل قانونی بودن جرائم و مجازات‌ها، رعایت شده و در دسترس عموم از جمله هنرمندان قرار می‌گیرد. اینان نیز با عنایت به قوانین و سنجش آثار خود با آنها، اقدام به خلق و عرضه هنر می‌نمایند. در نظام تعقیبی، اصل بر آزادی بوده و هنرمند، فارغ‌البال از حضور مستقیم حکومت، با علم به اینکه سوء استفاده از حق و عدم رعایت موازین، موجب مسئولیت مدنی و کیفری خواهد بود، ابتکار

برخورداری از حقوق و آزادی‌ها را دارد، بدون اینکه حکومت را در جریان اعمال خود قرار دهد. نظامی موافق اصل آزادی هنر و حق عمده ناظر به آن یعنی حق بر آزادی بیان هنری.^۱ با عنایت به اصل بودن آزادی و استثنایی بودن اخذ اجازه حکومت برای فعالیت‌ها و اقدامات، خاصه در امر هنر؛ برقراری نظام صدور مجوز، نیازمند عدم مغایرت با قانون اساسی - از این پس، ق.ا- است. لذا این سؤال مطرح است که با عنایت به ۳۷ سال استقرار نظام صدور مجوز، آیا از ق.ا. نظام صدور مجوز برمی‌آید یا خیر؟ پرسشی که جواب آن در عرصه تفسیر ق.ا. یافت می‌شود و در نوشتار پیش‌رو، برپایه نظام مزبور در آثار هنری از منظر انطباق با ق.ا. بررسی شده است.

۱. صراحت و عدم لکنت قانون اساسی در اعلام آزادی عقیده و بیان

ق.ا. تصریحی به حق‌های هنری از جمله حق بر آزادی بیان هنری ندارد. با این حال، اصول ۲۳ و ۲۴، پیش روی ما است.

۱.۱. آزادی اصل ۲۳ از صرف آزادی عقیده و منع تفتیش آن

اصل ۲۳ اظهار می‌دارد: «تفتیش عقاید ممنوع است و هیچ‌کس را نمی‌توان به صرف داشتن عقیده‌ای، مورد تعرض و مؤاخذة قرار داد». در این اصل که در پیش‌نویس دوم هم،^۲ اصل ۲۳ بود: «عقیده... اشخاص، محترم و از تعرض مصون است، مگر به حکم قانون»؛ ظاهراً صرف داشتن عقیده، محترم و آزاد، اعلام؛ و کندوکاو در آن ممنوع گردیده است. حال آنکه هرچند داشتن عقیده و بیان آن، دو مرحله جدا است، ولی آزادی داشتن عقیده، بدون اظهار آن، بی‌معنا و لغو است؛ زیرا، اندیشه‌ای که داشتن آن مجاز، ولی بروزش، غیرمجاز باشد؛ در حکم اندیشه‌ای

۱. طباطبایی مؤتمنی، منوچهر، *آزادی‌های عمومی و حقوق بشر*، تهران، دانشگاه تهران، چاپ سوم، ۱۳۸۲.
 ۲. نخستین پیش‌نویس ق.ا. توسط جمعی از حقوق‌دانان از جمله دکتر ناصر کاتوزیان، دکتر میناچی و دکتر حسن حبیبی، تنظیم و به دولت موقت تسلیم شد (نگاه کنید به: نخستین پیش‌نویس رسمی قانون اساسی در: کاتوزیان، ناصر، *گامی به سوی عدالت* (مجموعه مقالات)، تهران، دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران، چاپ اول، ۱۳۷۸، جلد ۱، (صص ۱۹۷-۲۲۹). پیش‌نویس در هیئت دولت موقت، با تغییراتی تصویب و به مجلس بررسی نهایی ق.ا. تحویل شد و مبنای کار مجلس مذکور قرار گرفت (اداره کل امور فرهنگی و روابط عمومی مجلس شورای اسلامی، *صورت مشروح مذاکرات مجلس بررسی نهایی قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران* (از این پس -مشروح مذاکرات)، تهران، مجلس شورای اسلامی، ۱۳۶۸، جلد ۴ (راهنمای استفاده از مشروح مذاکرات همراه با معرفی مجلس و اعضای خبرگان)، (صص ۲۱-۳). در این مقاله، از دو پیش‌نویس مذکور به پیش‌نویس اول و دوم، یاد می‌شود.

است که نیست. لذا با اندکی تعقل و خروج از حصار تفسیر مضیق و تحت‌اللفظی، اصل ۲۳ بیانگر مطلق آزادی بیان از جمله آزادی بیان هنری بوده و اسارت این اصل در صرف ممنوعیت تفتیش عقیده، مثلاً پرسش از سؤال‌های عقیدتی و اعتقادی در مواردی چون مراحل‌گزینش استخدام افراد در حکومت؛ و عدم ربط آن به آزادی بیان، چیزی جز سوزاندن یکی از زیباترین و رساترین اصول ق.ا. محسوب نمی‌شود. گفتنی است توسل به تفسیر تاریخی نیز در اینجا، بی‌نتیجه است، چون این اصل با سرعتی شگرف و بدون هیچ بحثی اعم از موافق، مخالف، توضیح، پیشنهاد، سؤال و حتی تذکر، با حد نصابی کم نظیر یعنی ۵۱ موافق، ۲ ممتنع و صفر مخالف از مجموع ۵۳ رأی به تصویب رسیده^۱ که در عین منتفی نمودن تفسیر منشأگرا، نشان می‌دهد اعضای مجلس خبرگان ق.ا. تردیدی در مفاد اصل نداشته‌اند.

۱.۲. تجلی آزادی همه اشکال بیانی و فرم‌های ارتباطی در اصل ۲۴

به‌موجب اصل ۲۴: «نشریات و مطبوعات در بیان مطالب آزاد هستند، مگر آنکه محل به مبانی اسلام یا حقوق عمومی باشد. تفصیل آن را قانون معین می‌کند».

۱.۲.۱. آثار هنری در متعلق حکم اصل ۲۴

در اصل ۲۴، تنها از دو کلمه «نشریات» و «مطبوعات» استفاده شده که در معنای لغوی، مجلات، روزنامه‌ها و گاهی کتاب را دربرمی‌گیرد. کما اینکه واژگان مذکور در مشروح مذاکرات به «همه نشریه‌ها و کتاب‌ها»^۲ و «دست‌نوشته‌ها، کاغذهای خطی و پلی‌کپی»^۳ معنا شده‌اند. متن اصل که در ابتدای جلسه ۲۵ مجلس بررسی نهایی، قرائت شد، به این قرار است: «بیان و نشر افکار و عقاید و مطالب از طریق مطبوعات، سینما، تئاتر، نوار و رسانه‌های گروهی... آزاد است...»^۴ متنی که فرمول ساده «اعلام مطلق آزادی بیان و بعد، اظهار مثال‌های معروف» را رعایت و حق

۱. نگاه کنید به: مشروح مذاکرات، پیشین.

۲. نام رسمی مجلسی که کار بررسی و تصویب متن ق.ا. را بر عهده داشت، «مجلس بررسی نهایی ق.ا.» بود. اما این مجلس به «مجلس خبرگان ق.ا.» معروف شد، کما اینکه در کتاب چهار جلدی مشروح مذاکرات این مجلس، علی‌رغم نام کتاب، یعنی «صورت مشروح مذاکرات مجلس بررسی نهایی ق.ا.»، به هنگام معرفی نمایندگان، از واژه «اعضای خبرگان ق.ا.» استفاده شده است.

۳. مشروح مذاکرات، پیشین، چاپ اول، ۱۳۶۴، جلد ۱، (جلسه اول تا سی و یکم)، گرجی، (ص ۶۴۵) و طاهری اصفهانی.

۴. همان، منتظری، (ص ۶۴۹) و باهنر.

۵. مشروح مذاکرات، پیشین، چاپ اول، ۱۳۶۴، جلد ۱ (جلسه اول تا سی و یکم).

مطالب را ادا نموده؛ به طوری که ادعای شمول همه مصادیق در پنج مثال مذکور، گزاف نیست. این متن به‌رغم حمایت اولیه نایب رئیس: «فیلم، نمایش، نوار، به مورد است و می‌توانیم اضافه کنیم، زیرا، چیزی نیست که اصل را تغییر دهد»^۱ تصویب نمی‌شود. اما از نظرات نمایندگان مثل: «در این متن، سینما و تئاتر را آورده است، اما فیلم را نیاورده، آیا کلمه سینما، شامل فیلم هم می‌شود یا نه؟ خب، فیلم‌هایی داریم که به‌صورت سینمایی نیست. کلمه فیلم باید اضافه بشود تا این متن تکمیل شود»^۲ «اگر مسیر را عوض کردند و گفتند بیان و نشر عقاید و افکار از طریق مطبوعات... آن وقت مطالب مهمی مثل کلاس‌ها، منبرها و محافل، به کلی از قلم افتاده و موضوع به کلی، مقلوب شده»^۳ و حتی مخالفت نایب رئیس: «این [فیلم، نمایش و...] لازم نیست در قانون اساسی بیاید، اینها را قانون عادی معین می‌کند. اینکه روی مطبوعات تکیه می‌شود، به اعتبار این است که مطبوعات، نقش خاصی دارند»^۴ و به بیان بهتر، از تفسیری منشأگرا برمی‌آید که مجموعاً در نظر اعضای مجلس، همه مصادیق، مد نظر؛ و به بیان یکی از نمایندگان، محور کار [اصل]، نشر مطالب و بیان عقاید بوده است»^۵ برداشتی هماهنگ با تفسیر غایی که نتیجه‌اش، تفسیر «نشریات و مطبوعات» به وجه غالب بیانی و نه احصای شیوه‌های آن و قرار گرفتن تمام بیان‌های شفاهی، کتبی، مجازی، صوتی و تصویری هنری در شمول اصل ۲۴ است.

۱.۲.۲. بهره آثار هنری از حکم اصل ۲۴

هر سه متن پیشین اصل ۲۴ همچون خود اصل، آزادی و اباحه بیان را شناسایی نموده‌اند. چنان‌که وفق اصل ۲۹ پیش‌نویس اول: «مطبوعات و نشر و بیان عقیده، جز در مواردی که خلاف عفت عمومی و اخلاق باشد، آزاد و ممیزی در آنها ممنوع است. جرائم مطبوعاتی را قانون معین می‌کند»^۶. لذا از اصل ۲۴، پنج نکته استفاده می‌شود: ۱. اصل بودن آزادی بیان و استثنایی بودن محدودیت‌ها و ممنوعیت‌ها. ۲. حصری بودن استثناها. ۳. انحصار مرجع تمیز استثنا در

۱. همان، حسینی بهشتی (شهید بهشتی).

۲. همان، سبحانی.

۳. همان، خزعلی.

۴. مشروح مذاکرات، پیشین، جلد ۳، (جلسه پنجاه و یکم تا شصت و هفتم [آخر]، حسینی بهشتی).

۵. مشروح مذاکرات، پیشین، جلد ۱، باهنر.

۶. نیز نگاه کنید به: ۱. اصل ۲۵ پیش‌نویس دولت موقت. ۲. اصل پیشنهادی گروه مسئول در مجلس بررسی نهایی، همان.

منبع قانون. ۴. ممنوعیت سانسور (ممیزی پیشینی) و عدم تجویز کنترل محتوای بیان، قبل از عرضه آن؛ زیرا، وقتی صحبت از اصل آزادی و جرائم می‌شود، یعنی نظام انتخاب شده ق.ا.، تعقیبی است، نه تأمینی. ۵. انحصار مرجع رسیدگی به تخلفات و جرائم در محاکم قضایی و اداری و انسداد باب تفویض این مهم به مقامات و مراجع اداری.^۱

بنابراین مجموعاً از اصول ۲۳ و ۲۴، اصل آزادی بیان هنری و نظام تعقیبی و نه صدور مجوز، استنباط می‌شود. گفتنی است با عنایت به اینکه مفهوم و دامنه اختلال در «مبانی اسلام» و «حقوق عمومی»، هرچه باشد، تأثیری در ممنوعیت نظام صدور مجوز در اصل ۲۴ ندارد، از پرداختن به استثنائات یاد شده می‌گذریم.

۲. رد نظام صدور مجوز در مبانی نظری قانون اساسی

۲.۱. فوران آزادی در مقدمه قانون اساسی

ق.ا. دارای مقدمه‌ای مطول است که البته در اقدامی قابل انتقاد و خلاف موازین حقوقی، اساساً در هیچ‌یک از جلسات مجلس، مطرح نشده و پس از اتمام تصویب اصول، در جلسه آخر (جلسه ۶۷)، صرفاً قرائت می‌شود!^۲ عجیب‌تر اینکه پس از پایان قرائت مقدمه، رئیس جلسه، تذکر یکی از نمایندگان مبنی بر عدم قابلیت استناد به مقدمه را تأیید می‌نماید!^۳ لذا عدم تصویب مقدمه و تصریح نمایندگان به استنادناپذیری آن، مستعد کنار نهادن مقدمه در بهره‌گیری از ق.ا. و صرف تمرکز بر اصول است. اما از آنجا که مقدمه‌های قوانین اساسی، نشان‌دهنده روح حاکم بر ق.ا. و فضای تنفس واضع آن^۴ و در نتیجه بستری است که مفسران ق.ا. باید بر مبنای آن عمل کنند؛

۱. نگاه کنید به: کاتوزیان، ناصر: ۱- «آزادی اندیشه در قانون اساسی و قانون مطبوعات» (مصاحبه). ۲- «مبانی فلسفی و حقوقی آزادی». ۳- «پیوندهای ناموزون در پیش‌نویس قانون اساسی»، هرسه در: **گامی به سوی عدالت (مجموعه مقالات)**، پیشین، (صص ۸۰، ۱۴-۱۴۴ و ۲۳۴-۲۳۳). ۴- «تفسیر مفهوم اصل آزادی مطبوعات» در: مرکز مطالعات حقوق بشر و انجمن علمی دانشجویی حقوق دانشگاه تهران، **مجموعه مقالات همایش حقوق مطبوعات**، تهران، دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران، چاپ اول، ۱۳۸۹.

۲. مشروح مذاکرات، پیشین، جلد ۳.

۳. همان، ربانی شیرازی و منتظری.

۴. حجازیان، سعید، «**قانون اساسی به مثابه میثاق ملی**» در: جمهوری؛ افسون‌زدایی از قدرت، تهران، طرح نو، چاپ دوم، ۱۳۸۸.

کنند؛ اتفاقاً، مقدمه ق.ا. همچون سایر مقدمه‌های دیگر قوانین اساسی، هم قابل استناد و هم راهنمای تفسیر می‌باشد. کما اینکه مردم ایران در همه‌پرسی ق.ا. به مجموعه ق.ا. اعم از مقدمه و ذی‌المقدمه رأی داده‌اند، نه صرفاً اصول آن. بر این اساس، موارد ذیل در مقدمه، در بحث ما حاکم هستند:

۱. ذیل عنوان «حکومت اسلامی»، اظهار اینکه انقلاب اسلامی در پی «تارضایی‌ها و شدت خشم مردم بر اثر فشار و اختناق روزافزون در داخل» شکل گرفت و متعاقباً «رژیم [پهلوی]... مجبور به کاستن از فشار و اختناق و به اصطلاح بازکردن فضای سیاسی کشور شدند»، به صراحت نشان از این دارد که تنها باورهای اسلامی موجب پیروزی انقلاب نشد و مردم پاسخگویی به خواسته‌هایی چون حقوق انسانی و آزادی‌های مدنی را نیز مدنظر داشتند، زیرا، این مهم در رژیم گذشته، مورد توجه نبود.^۱

۲. تحت عنوان «وسایل ارتباط جمعی»، تصریح به اینکه اصول ق.ا. «آزادی و کرامت انبای بشر را سرلوحه اهداف خود دانسته» و ذیل عنوان «قضا در قانون اساسی»، اعلام اینکه «پاسداری از حقوق مردم» از وظایف حکومت (قوه قضائیه) است و نیک می‌دانیم که آزادی بیان هنری، قسمی از «آزادی» و حقی از حقوق مردم بوده و کرامت ذاتی بشر نیز مبنای حقوق بشر است.

۳. بیان شعار انقلاب یعنی «استقلال، آزادی، حکومت اسلامی» ذیل عنوان «بهبایی که ملت پرداخت» و تأکید بر «برخورد سالم اندیشه‌های متفاوت» ذیل عنوان «وسایل ارتباطی جمعی» که حکایت از جایگاه آزادی به معنای رایج در «حقوق عمومی و حقوق بشر» در ق.ا. دارد.^۲

۴. ذیل عنوان «شیوه حکومت در اسلام»، هدف نهایی روند و راه افراد ملت، حرکت به سوی الله و «هدف از حکومت، رشد دادن انسان در حرکت به سوی نظام الهی است تا زمینه بروز و شکوفایی استعدادها به منظور تجلی ابعاد خداگونگی انسان فراهم آید». مفهومی که ذیل عنوان «اقتصاد وسیله است نه هدف» نیز تکرار شده: «برنامه اقتصاد اسلامی، فراهم کردن زمینه مناسب برای بروز خلاقیت‌های متفاوت انسانی است». لذا برقراری نظام صدور مجوز و الزام هنرمند به اجازه گرفتن، علاوه بر اینکه زمینه بروز استعداد و خلاقیت را ناهموار می‌کند، با کند و طولانی نمودن مسیر حرکت هنرمند در راه انتخابی‌اش به سوی خدا یعنی هنر، انعکاس بعد خداگونگی هنرمند را نیز تحت تأثیر قرار می‌دهد.

۱. آبراهامیان، پرواند، تاریخ ایران مدرن، ترجمه: محمد ابراهیم فتاحی، تهران، نی، چاپ نهم، ۱۳۹۲.

۲. نگاه کنید به: کاتوزیان، ناصر، «اصول منطقی حاکم بر تفسیر ق.ا.» در: مهرپور، حسین، رئیس‌جمهور و مسئولیت اجرای قانون اساسی، تهران، اطلاعات، چاپ دوم، ۱۳۸۵، جلد ۲، (مجموعه مباحث چهارمین و پنجمین همایش هیئت پیگیری و نظارت بر اجرای قانون اساسی).

۵. وفق ذیل عنوان «شیوه حکومت در اسلام»، حکومت اسلامی «برخاسته از موضع طبقاتی و سلطه‌گری فردی یا گروهی نیست» و «قانون اساسی، تضمین‌گر نفی هرگونه استبداد فکری و اجتماعی... می‌باشد و در خط گسستن از سیستم استبدادی، در سپردن سرنوشت مردم به دست خودشان تلاش می‌کند». لذا آزادی، مداخله مردم در اداره امور خود و تعیین سرنوشت و ذم هرگونه استبداد، مبنای نظری ق.ا. بوده است.^۱ چه، جامعه ایران، پس از استقرار نظام جمهوری اسلامی، این استعداد را یافته که آزادی را همراه با اعتقادات اسلامی خود، یکی پس از دیگری، جایگزین استبداد گذشته نماید.^۲ به این‌سان، جهت و مسیر مقدمه ق.ا. تاب سازگاری با نظام صدور مجوز را ندارد. کما اینکه مجموعه حقوق هنری، در قالب حق بر تعیین سرنوشت هنری افراد، قابل شناسایی بوده و احترام به آزادی بیان هنری از مصادیق تسهیل تعیین سرنوشت هنرمندان محسوب می‌گردد.

۶. عنوان کردن ضرورت «نظارت مستمر» مردم بر کار حاکمان، ذیل عنوان «وسایل ارتباط جمعی» و ارتباط وثیق آن با آزادی بیان، زیرا، آزادی بیان از پایه‌ها و مهم‌ترین ابزار نظارت عمومی و مستمر شهروندان بر حکومت‌کنندگان است.

۷. تحت عنوان «قوه مجریه»، بیان اینکه «محصور شدن در هر نوع نظام دست و پاگیر پیچیده که وصول به این هدف [رسیدن به روابط و مناسبات عادلانه حاکم بر جامعه] را کند و یا خدشه‌دار کند، از دیدگاه اسلامی، نفی خواهد شد. به این جهت، نظام بوروکراسی که زاینده و حاصل حاکمیت‌های طاغوتی است، به شدت، طرد خواهد شد تا نظام اجرایی با کارایی بیشتر و سرعت افزون‌تر در اجرای تعهدات اداری به‌وجود آید». لذا برقراری نظام صدور مجوز که دست و پاگیر، هزینه‌بر، زمان‌بر و نیازمند تشکیلات و نهادهای متعدد و در نهایت، بزرگ‌شدن حکومت و لاجرم، کاهش کارآمدی آن خواهد بود، مخالف کعبه آمال ترسیمی مقدمه ق.ا. از قوه مجریه و نظام اجرایی کشور است. امری که در متن ق.ا. نیز آمده و بند ۱۰ اصل ۳، «ایجاد نظام اداری صحیح و حذف تشکیلات غیرضرور» را از وظایف دولت دانسته است.

اما در اصول ق.ا. اعم از اصول مندرج در «فصل اول - اصول کلی» و دیگر اصول، چراغ‌های راهنمایی هستند که ذیلاً بررسی شده‌اند.

۱. حسینی بهشتی، محمد، (بنیاد نشر آثار و اندیشه‌های شهید آیت الله بهشتی)، مبنای نظری قانون اساسی، تهران، بقعه، چاپ دوم، ۱۳۷۸.

۲. هاشمی، سیدمحمد، «جامعه مدنی و نظام سیاسی»، تحقیقات حقوقی، شماره ۲۴-۲۳، پاییز و زمستان ۷۷.

۲.۲. شناسایی «آزادی از حکومت» در مبانی جمهوری اسلامی

اصطلاح «مبانی جمهوری اسلامی» دو بار در ق.ا. به کار رفته: یکی در اصل ۶۷ در متن سوگند نمایندگان مجلس: «من ... سوگند یاد می‌کنم... نگاهبان... مبانی جمهوری اسلامی باشم» و دیگری، اصل ۱۱۵ در مقام یکی از اوصاف رئیس جمهور: «رئیس جمهور باید ... مؤمن و معتقد به مبانی جمهوری اسلامی... [باشد]». اما این واژه، در قوانین دیگر تعریف نشده و چاره رمزگشایی از آن، رجوع به مجموعه ق.ا. و بهره‌گیری از راهکار «تفسیر» است. مبانی جمهوری اسلامی، جز آنچه که در مقدمه ق.ا. گفته شد، مجموعه‌ای از عناصر ذیل می‌باشد:

۱. پایه‌های ایمانی جمهوری اسلامی از جمله: «ایمان به ... کرامت و ارزش والای انسان» (بند ۶ اصل ۲) که مبنای تمامی حق‌های بشری است و مقسم بحث ما یعنی حق‌های هنری، «نفی هرگونه ستم‌گری و ستم‌کشی و سلطه‌گری و سلطه‌پذیری» (جزء ج بند ۶ اصل ۲)، «محو هرگونه استبداد و خودکامگی و انحصارطلبی (بند ۶ اصل ۳) و پرهیز از هرگونه خودکامگی (مذکور در متن سوگندنامه رئیس جمهور در اصل ۱۲۱) که از محورهای اصلی مخالفت ق.ا. با نظام صدور مجوز در برخورداری شهروندان از حقوق خود و در بحث ما، هنرمندان در اعمال حق‌های هنری است.

۲. منع تبعیض مستند به: ۱- وظیفه دولت در «رفع تبعیضات ناروا و ایجاد امکانات عادلانه برای همه در تمام زمینه‌های مادی و معنوی» و «تأمین ... تساوی عموم در برابر قانون» (بندهای ۹ و ۱۴ اصل ۳). ۲- برخورداری «مردم ایران از هر قوم و قبیله که باشند از حقوق مساوی» و عدم امتیاز «رنگ، نژاد، زبان و مانند این‌ها» (اصل ۱۹). ۳- حمایت یکسان قانون از «همه افراد ملت اعم از زن و مرد» و برخورداری همگان از «همه حقوق انسانی، سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی با رعایت موازین اسلام» (اصل ۲۰): که نیازی به توضیح ندارد، نظام صدور مجوز در بحث فرهنگ و هنر، هر قدر هم اتخاذ تدبیر و تلاش کند، نمی‌تواند مانع تبعیض در این شیوه شود، زیرا، در طریقه صدور مجوز، حکومت، ناچار به گزینش و اعمال نظر است که یافته‌ای، جز تبعیض ندارد.

۳. مبانی اسلامی، که فارغ از اصول متعدد مصرح و ضمنی در موضوع رعایت احترام به پایه‌های بنیادین دین اسلام، ذکر آمار استناد به اسلام، در این خصوص کفایت می‌کند: ۲۰ بار واژه «اسلام» و ۱۲۴ بار کلمه «اسلامی»^۱ و باز هم احتیاجی به شرح مفصل نیست که اندیشه و

۱. نگاه کنید به: فرازی، صادق، فرهنگ الفبایی واژگان قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، قم، فراز اندیشه، چاپ اول، ۱۳۸۲.

تعمق در امور، چه جایگاه رفیعی در دین اسلام دارد. چنان‌که «بیش از ۳۰۰ آیه در قرآن، مردم را به تفکر، تعقل و تذکر دعوت می‌کند و یا به پیامبر(ص) تلقین می‌کند که برای اثبات حق یا ابطال باطل، حجت و دلیل بیاورد و یا شیوه انبیا را در احتجاج و استدلال نقل می‌کند و یا تعصب و تقلید کورکورانه و بی‌منطق بودن کفار را تقبیح می‌کند و یا کسانی را که با تفکر و اندیشه و بینه و حجت، حرف حق را پذیرفتند و ایمان آوردند، می‌ستاید»^۱.

۲.۳. جایگاه رفیع حق‌های مختلف انسانی در قانون اساسی

اصل ۲۲ از واضح‌ترین و محکم‌ترین مستندات اصل آزادی، لزوم برقراری نظام تعقیبی و منع صدور مجوز در بحث حقوق هنری است. به‌موجب اصل ۲۲: «حیثیت، جان، مال، حقوق، مسکن و شغل اشخاص از تعرض مصون است، مگر در مواردی که قانون تجویز کند». این اصل، ریشه در اصل ۹ متمم ق.ا. مشروطه دارد^۲ که با تفاوت اندکی در اصول ۲۶ و ۲۳ پیش‌نویس‌های اول و دوم ق.ا. فعلی تکرار شد. اما نکته اینجا است در هیچ‌یک از سه متن مذکور، واژه «حقوق» نبود و این مهم از ابتکارات گروه شماره ۳ مجلس بررسی نهایی است که وظیفه بررسی حقوق ملت را برعهده داشت.^۳ در جلسه مربوطه نماینده‌ای می‌پرسد: «مراد از «حقوق» چیست؟... مراد کدام حقوق است که مصون از تعرض باشد»^۴ و نماینده گروه پاسخ می‌دهد هدف از اضافه کردن کلمه «حقوق»، این بوده که «بعضی از حقوقی که ضمن کلمات «جان، مال و...» نبوده، شامل آنها هم بشود ... خواستند مواردی را که حق وجود دارد، اما کلمه حیثیت، مسکن و شغل شامل آن نمی‌شود، آنها را هم آورده باشیم و بگوییم تعرض به هیچ‌یک از حقوق افراد مجاز نیست» و باز تأکید می‌کند «هر نوع حقی که شخص دارد... باید محفوظ باشد»^۵. لذا تفسیر قصدگرا از این اصل، تأیید می‌کند حقوق در اینجا یعنی جمع حق و در برگیرنده همه حقوق بشر و دست کم، همه نسل اول حقوق بشر خاصه، حقوق مدنی است. بر این اساس، اصل ۲۲، اصل را بر آزادی

۱. مهرپور، حسین، «دیدگاه اسلام در مورد آزادی عقیده و بیان» در: **دیدگاه‌های جدید در مسائل حقوقی**، تهران، اطلاعات، چاپ سوم، ۱۳۸۷.

۲. «افراد مردم از حیث جان و مال و مسکن و شرف، محفوظ و مصون از هر نوع تعرض هستند و معترض احدی نمی‌تواند شد، مگر به حکم و ترتیبی که قوانین مملکت معین می‌نماید».

۳. مشروح مذاکرات، پیشین، جلد ۴.

۴. مشروح مذاکرات، پیشین، جلد ۱، فاتحی.

۵. همان، باهتر.

حق‌ها و استثنایی بودن تعرض به آنها دانسته و هنگامی که تعرض به حقی، خلاف اصل است، محرومیت از آن هم، استثنایی بوده و این یعنی، اصل ۲۲ در موضوع حق‌ها و آزادی‌ها، نه نظام پیشگیرانه که نظام تعقیبی یعنی آزادی اقدام، سپس رسیدگی به تخلفات و جرائم را پذیرفته است. اما ق.ا. بارها از واژه حق-سوی موارد استفاده این لغت به معنای متضاد باطل^۱ و جمع آن یعنی حقوق، برای مردم و ملت استفاده کرده که به شایستگی، نشان از منزلت این امر در نظام حقوقی برخاسته از حکومت جمهوری اسلامی دارد و ناگفته پیدا است که حقوق هنری، بخشی از حقوق مردم؛ و آزادی بیان هنری، یکی از حق‌های هنری است:

۱. وظیفه دولت در «تأمین حقوق همه جانبه افراد از زن و مرد» (بند ۱۴ اصل ۳)، به‌ویژه تضمین «حقوق زن... در تمام جهات» و «احیای حقوق مادی و معنوی او» (صدر و بند ۱ اصل ۲۱)، «حفظ حقوق ملت» (مذکور در متن سوگندنامه نمایندگان مجلس، اصل ۶۷)، «پشتیبانی از حق» (مذکور در متن سوگندنامه رئیس جمهور، اصل ۱۲۱)، «پشتیبان حقوق فردی و اجتماعی بودن» (صدر اصل ۱۵۶) و حمایت از «حقوقی که قانون اساسی برای ملت شناخته است» (مذکور در متن سوگندنامه رئیس جمهور، اصل ۱۲۱)، زیرا، وقتی دولتی، یکی از پایه‌های سیاست خارجی‌اش را بر «دفاع از حقوق همه مسلمانان» (اصل ۱۵۲) استوار می‌کند، به قیاس اولویت، انجام این مهم در داخل کشور را نیز مد نظر قرار خواهد داد.
۲. بهره‌مندی «همه افراد ملت ... از همه حقوق انسانی، سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی» (اصل ۲۰) و موظف بودن دولت و مسلمانان به رعایت حقوق انسانی افراد غیرمسلمان (اصل ۱۴) و به طریق اولی، مسلمانان؛ که «دوستان را کجا کنی محروم / تو که با اینان، این نظر داری»^۲.
۳. اشاره صریح به حق‌های مختلف مردم از نسل‌های مختلف حقوق بشر مثل حق آزادی انتخاب شغل (قسمت اول اصل ۲۸ و بند ۴ اصل ۴۳)، حق بر داشتن مسکن (اصل ۳۱)، حق دادخواهی و دسترسی به دادگاه‌ها (اصل ۳۴)، حق بر آزادی انتخاب وکیل (اصل ۳۵)، حق داشتن تابعیت (اصل ۴۱)، که حصری نبوده، همگی از «حق حاکمیت ملت» - عنوان فصل پنجم ق.ا. - برخاسته، جملگی در عنوان «حقوق ملت» - عنوان فصل سوم ق.ا. - جای

۱. واژه «حق» در موارد ذیل به معنای متضاد باطل به‌کار رفته است: ۱- اصل ۱: «... ملت ایران بر اساس اعتقاد دیرینه‌اش به حکومت حق...». ۲- اصل ۱۵۴: «جمهوری اسلامی ... حکومت حق را...». ۲. در بیت اصلی به‌جای واژه اینان، «دشمن» به‌کار رفته است. نگاه کنید به: دیباچه گلستان سعدی، به‌عنوان مثال در: سعدی، مصلح‌الدین، **گلستان سعدی**، شرح لغات و تصحیح متن: حسین استاد ولی، تهران، قدیانی، چاپ چهارم، ۱۳۶۸.

می‌گیرد و صد البته نشان می‌دهد که نظام جمهوری اسلامی در ق.ا. عنایت ویژه‌ای به حقوق مردم دارد.

۲.۴. جایگاه بنیادین آزادی در اصول متعدد

آزادی با تفسیر در پهنه حقوق عمومی، ارتباطی وثیق دارد. چه، با توجه به هدف از وضع ق.ا.، غایت تفسیر، «تقویت سلسله مراتب هنجارها و حمایت از حقوق بشر»^۱ و پیروی از اصل حمایت از حقوق مردم مقابل قدرت (حکومت) است. به این جهت، هر جا که ابهام یا تردیدی در رابطه میان مردم و حکومت باشد، باید سمت حق‌ها و آزادی‌ها را گرفت.^۲ لذا طی این مسیر، در کنار استفاده از تمام شیوه‌های تفسیری در راه رسیدن به هدف یعنی پادشاهی حق‌ها و آزادی‌ها و مهار کردن سلطه حکومت، باید با دیدی جامع و برگرفته از اصول راهنمای قانون‌گذار و اثرگذاری و سایه هر اصل بر دیگر اصول قانون،^۳ که مجموعه‌ای متصل و تجزیه‌ناپذیر به نام روح قانون را تشکیل می‌دهد،^۴ تفسیر نمود.

نقش بنیادین آزادی در ق.ا. چنان است که اصل ۲، «آزادی توأم با مسئولیت انسان در برابر خدا» را یکی از پایه‌های ایمانی نظام سیاسی و بند ۷ اصل ۳، «تأمین آزادی‌های سیاسی و اجتماعی» را از اهداف دولت، اعلام می‌کند و در اصل ۹ نیز طی جملاتی زیبا، با قراردادن آزادی در ردیف و کنار استقلال و تمامیت ارضی، آنها را تفکیک‌ناپذیر دانسته و نقض یکی به بهانه حمایت از دوی دیگر را نمی‌پذیرد تا جایی که حتی سلب آزادی‌های مشروع را با وضع قوانین و مقررات قبول نمی‌کند و این یعنی در حقوق موضوعه و حتی در قالب قوانین و مقررات هم نمی‌توان آزادی را سلب کرد و مراعات آزادی از جمله خطوط قرمز قانون و مقررات‌گذاری است.^۵ همچنین ق.ا. به‌نحو جداگانه از یک طرف، فی‌المثل انجام مراسم مذهبی و دینی پیروان مذاهب اسلامی و اقلیت‌های دینی (اصول ۱۲ و ۱۳)، تدریس ادبیات زبان‌های محلی و قومی در مدارس (اصل

۱. ویژه، محمدرضا، «قواعد تفسیر قانون اساسی»، پژوهش حقوق و سیاست، سال نهم، شماره ۲۲، بهار و تابستان ۸۶.

۲. کاتوزیان، ناصر، «اصول منطقی حاکم بر تفسیر قانون اساسی»، پیشین.

۳. کاتوزیان، ناصر، «آزادی و حدود آن در اسلام» در: گامی به سوی عدالت، پیشین.

۴. کاتوزیان، ناصر، «جایگاه حقوق اسلامی در نظم حقوقی»، کانون و کلا، دوره جدید، شماره ۱۰ (پیاپی ۱۶۵-۱۶۴)، ۱۳۷۵.

۵. نیز نگاه کنید به: محمدی(گرگانی)، محمد، جستاری بر قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، تهران، شهر دانش، چاپ اول، ۱۳۹۳.

۱۵)، احزاب، جمعیت، انجمن‌ها و در واقع تشکل‌ها (اصل ۲۶) و تشکیل اجتماعات و راه‌پیمایی (اصل ۲۷) را آزاد می‌داند؛ و از طرف دیگر، «مد نظر داشتن آزادی مردم» را در متن سوگند نمایندگان مجلس (اصل ۶۷)، حمایت از آزادی اشخاص را در متن سوگند رئیس‌جمهور (اصل ۱۲۱) و «احیای حقوق عامه و گسترش آزادی‌های مشروع» را در فهرست وظایف قوه قضائیه قرار داده است (بند ۲ اصل ۱۵۶). از این هم مهم‌تر، وقتی دولتی در عرصه بین‌المللی، آزادی را «حق همه مردم جهان می‌شناسد» (اصل ۱۵۴)، به نظر می‌رسد تردید در اعتقاد حکومت همان دولت به این حق برای مردم خودش، بجا و شایسته نیست.

۳. منزلت حق‌های هنری در قانون اساسی

حق‌های عمده هنری در ق.ا. شامل حق بر آزادی بیان هنری، حق بر آموزش هنر، حق بر حمایت مادی و معنوی آثار هنری و حق بر تعیین سرنوشت هنری است که جملگی مانع استقرار نظام تأمینی در هنر هستند، موضوع این بند می‌باشند.

۳.۱. حق بر آزادی بیان هنری

فارغ از منزلت آزادی در انقلاب اسلامی و ق.ا. منتج از آن، آزادی بیان به نحو خاص نیز در ق.ا. مورد توجه قرار گرفته که سوای اصول ۲۳ و ۲۴ که شرح آن رفت، ذیلاً به آنها می‌پردازیم.

۳.۱.۱. منع سانسور در اصل ۲۵

اصل ۲۵ مفهوماً مطلق وسایل ارتباطی را از دخالت حکومت، آزاد دانسته و موارد استثنایی را به قانون محول نموده و منطوقاً با توجه به ظرف زمانی تصویب اصل - سال ۵۸ - از نامه، تلفن، تلگراف و تلکس نام برده و تأکید کرده که «افشا، سانسور، عدم مخابره و نرساندن آنها، استراق سمع و هرگونه تجسس، ممنوع است». خروجی کلی اصل ۲۵، منع توقیف، حذف و سانسور ارزیابی می‌شود که علی‌رغم ظاهر حصری اصل و عدم استفاده از واژگان مشخص وجه تمثیلی (مثل، مانند، همچون، اعم از، از جمله)، قابل تسری به پل‌های ارتباطی جدید مثل شبکه‌های مجازی و البته همه‌گونه‌های آثار هنری است که امروزه تا سطح یک رسانه، خود را بالا

کشیده‌اند.^۱ امری که حکایت از تفاوت قواعد تفسیر در دو بال یک عرصه واحد یعنی حقوق عمومی دارد. چه، در وادی حکومتی و دولتی حقوق عمومی، اصل بر عدم صلاحیت است و قیاس و وحدت ملاک، محکوم؛ اما در وادی حقوق بشر حقوق عمومی، اصل بر تفسیر موسع و به نفع مردم است.

۳.۱.۲. تثبیت آزادی بیان مقید شهروندان با قید «کاملاً» در اصل ۸۶

اصل ۸۶ که نمایندگان مجلس را «در مقام ایفای وظایف نمایندگی در اظهارنظر و رأی خود» کاملاً آزاد می‌داند و تعقیب و توقیف آنها را به سبب «آرا و نظرات» ممنوع می‌داند نیز در این زمینه، خود را به ما تحمیل می‌کند. در اصل ۸۶، مقنن با استفاده از قید «کاملاً»، قبل از کلمه «آزاد» - که تنها در همین یک مورد رخ داده - یادآوری می‌نماید که مردم نیز «در اظهارنظر و رأی» آزادند و در واقع، اصل بر آزادی بیان است و تنها فرق میان مردم و نمایندگان مجلس، این است که مردم، آزادی بیان دارند، اما نمایندگان مجلس، آزادی بیان کامل دارند و این، یعنی استثنائات جهانی آزادی بیان بر مردم، بار می‌شود، اما بر نمایندگان، خیر.

۳.۱.۳. استقرار نظام تعقیبی در صدا و سیما غیر خصوصی

طبق اصل ۱۷۵: «در صدا و سیما ... آزادی بیان و نشر افکار با رعایت موازین اسلامی و مصالح کشور باید تأمین گردد». اصلی، توجه دهنده ما به این نکته که حتی در صدا و سیما غیر خصوصی هم،^۲ اصل بر «آزادی است و نظام تعقیبی» و بیان و نشر افکار، آزاد است و محدودیت‌ها یعنی موازین اسلامی و مصالح کشور، در صورت عدم رعایت، مستوجب مسئولیت است.

۳.۱.۴. ظهور اصل اداره شورایی در آزادی بیان

به موجب اصل ۷: «طبق دستور قرآن کریم: «و امرهم شوری بینهم»^۳ و «شاوهم فی الامر»^۱، شوراها: مجلس شورای اسلامی، شورای استان، شهرستان، شهر، محل، بخش، روستا و نظایر

۱. برای نظر موافق به عنوان مثال نگاه کنید به: جلالی فراهانی، امیرحسین، «پیشگیری وضعی از جرائم سایبر در پرتو موازین حقوق بشر»، فقه و حقوق، سال دوم، پاییز ۸۴، (ص ۱۵۸): «بی‌تردید قید ابزارهای ارتباطی در این اصل [۲۵]، جنبه تمثیلی دارد... و ظرف و ابزار در اینجا اهمیتی ندارد».

۲. وفق اصل ۴۴: «بخش دولتی شامل ... رادیو و تلویزیون... است که به صورت مالکیت عمومی و در اختیار دولت است». نیز طبق اصل ۱۷۵: «نصب و عزل رئیس سازمان صدا و سیما... با مقام رهبری است...».

۳. آیه ۳۸ سوره شوری.

این‌ها از ارکان تصمیم‌گیری و اداره امور کشور هستند». اصل ۷ یعنی لزوم مشاوره و در اسلام، خداوند حتی به رسول اکرم (ص) که در ولایتش بر مؤمنان، هیچ شکی نیست، امر می‌کند که «مشاورهم فی‌الامر». «معنی مشاوره این است که برای اشخاص، آزادی بیان، قائل باشیم والا اگر مشاوره کنیم و هرکس را که حرف مخالف زد، مؤاخذه کنیم؛ این دیگر مشاوره نیست. بنابراین آزادی بیان از همین اصل لزوم مشاوره [نیز] استنباط می‌شود».^۲

۳.۱.۵. تبیین آزادی بیان با تکلیف امر به معروف و نهی از منکر

اصل ۸ بیان می‌دارد: «در جمهوری اسلامی ایران، دعوت به خیر، امر به معروف و نهی از منکر، وظیفه‌ای است، همگانی و متقابل بر عهده مردم نسبت به یکدیگر، دولت نسبت به مردم و مردم نسبت به دولت...». این اصل با تکلیف دانستن امر به معروف و نهی از منکر، لزوم آزادی بیان را تبیین می‌کند، زیرا، همان‌طور که در اصل آمده، این مقوله فقط شامل افراد نیست و افراد اگر نتوانند نظرشان را اعلام کنند، چطور می‌توانند حکومت را از منکر، نهی کنند؟ لذا هر مسلمان، وظیفه شرعی دارد که حکومت را از راه خطا بازگرداند و اگر این آزادی را نداشته باشد، نمی‌تواند به تکلیفش عمل کند. مفهومی که از حدیث «کلکم راع و کلکم مسئول عن رعیت» نیز مستفاد می‌شود.^۳

علی‌هذا عنایت کلی و پایه‌ای ق.ا. به مقوله آزادی و مصادیق علی‌حده آن، در مسیر آزادی بیان و تبعاً آزادی بیان هنری و ناسازگار با نظام تأمیینی ارزیابی می‌شود.

۳.۲. حق بر آموزش هنر

بند ۳ اصل ۳ ق.ا. «آموزش و پرورش... برای همه در تمام سطوح و تسهیل و تعمیم آموزش عالی» را در فهرست وظایف دولت جای داده و اصل ۳۰ هم، این وظیفه را به «رایگان» و «تاسر حد خودکفایی» تفکیک کرده. اصل ۴۳ نیز اولین ضابطه‌ای که اقتصاد جمهوری اسلامی بر آن استوار است را «تأمین نیازهای اساسی» از جمله «آموزش و پرورش» دانسته که هر سه مستند، فارغ از اینکه آموزش و پرورش را تا چه حد، رایگان اعلام نموده، بر مقوله آموزش و پرورش

۱. آیه ۱۵۹ سوره آل عمران.

۲. کاتوزیان، ناصر، «آزادی و حدود آن در اسلام»، پیشین.

۳. همان.

به‌عنوان یکی از وظایف اصلی حکومت تأکید کرده که شامل هنر نیز می‌شود و با عنایت به موارد سابق‌الذکر در باب جایگاه آزادی در ق.ا، حقوق مربوط به آموزش هنر یعنی حق بر آزادی آموزش و حق بر آموزش - اولی از نسل اول و دومی از نسل دوم- در ق.ا. تبیین شده و به حد کافی از منبع ق.ا. برخوردار است.

اما در خصوص ربط این مهم به محکومیت افاده نظام صدور مجوز از ق.ا. گفتنی است، زمانی که هنر از آزادی بیان مطلوب برخوردار نیست و خلاقیت و تحول خواهی‌اش در گروی متولی حکومتی صادرکننده مجوز باشد، انتخاب شغلی هنری نیز با خوف و رجا همراه است و همه این‌ها در آزادی آموزش هنر تأثیر دارد و خود به خود، دیگر رغبتی به تعلیم و تعلم هنر وجود نداشته و آموزش و اقتصاد هنر نیز به سمت رکود می‌رود، زیرا، وقتی بازار هنر، به دلیل فقدان یا محدودیت وارده بر دیگر حق‌های هنری، کششی نداشته و عرضه و تقاضا به سختی انجام می‌پذیرد، ذوقی برای یادگیری و آموزش هنر وجود ندارد و مخاطب یا هنرآموز می‌اندیشد که بر فرض وجود استعداد و یادگیری مطلوب هنر نیز، اتفاقی رخ نداده و عرصه‌ای آزاد و رقابتی برای هنر وجود ندارد. نتیجه اینکه ولو با وجود آزادی آموزش هنر، این مهم بی‌فایده خواهد بود. لذا نظام صدور مجوز، هر دو حق بر آزادی آموزش هنر و حق بر آموزش هنر را نقض و جایگاه رفیع این حق‌ها در ق.ا. را نادیده می‌گیرد.

۳.۳. حق بر حمایت مادی و معنوی از آثار هنری

در این زمینه، اصول ۴۶: «هرکس مالک حاصل کسب و کار مشروع خویش است...» و ۴۷: «مالکیت شخصی که از راه مشروع باشد، محترم است...»، مطرح هستند که با شناسایی و مشروع دانستن مالکیت شخصی، آن را تضمین نموده و پریدهبی است که آثار هنری نیز جزء مایملک مشروع و قانونی هنرمند بوده و دخالت حکومت در روند تولید و عرضه، آن‌هم به نحو پیشینی و صدور مجوز، نه تنها در میزان و سطح بهره‌برداری هنرمندان از آثار مادی و معنوی هنر خود مؤثر است، بلکه می‌تواند با پیچیده، زمان‌بر و سخت کردن روند صدور مجوز، هنرمند را از ادامه مسیرش، منصرف یا دست کم، سرعت حرکت را کند کند. لذا نظام صدور مجوز، در بهترین حالت هم، اگر اقتصاد هنر را به قبضه خود در نیاورد، آن را عمیقاً تحت تأثیر قرار می‌دهد و اختلالاتی جدی در بهره‌گیری هنرمند از حقوق مالکیت ناظر به آثار هنری، ایجاد می‌نماید. چه،

در نتیجه محدودیت‌های وارده بر حقوق پیش‌گفته، اساساً آثار هنری، بسیار کم تولید یا عرضه شده یا اینکه آثار، برآمده از ذوق و نگاه و رؤیای هنرمند نبوده و تصنعی و تحت تأثیر مانور حکومت بر حق‌های هنری است که در هر دو صورت، بحث حمایت مادی و معنوی از آثار هنری نیز، سالبه به انتفای موضوع می‌گردد، چون وقتی اثری تولید نمی‌شود یا تولید شده، اما مجال عرضه نمی‌یابد، موضوعی برای حمایت نیست! لذا با کاهش آثار هنری یا آثار هنری مطلوب، بازار داد و ستد هنر نیز نابسامان و عده کثیری نیز از باب شغل و درآمد، تحت تأثیر قرار می‌گیرند.

۳.۴. حق بر تعیین سرنوشت هنری

جدا از مستندات مذکور در مقدمه، بند ۳ اصل ۲ به «سیر تکاملی انسان به سوی خدا»، بند یک اصل ۳ به «محیط مساعد برای رشد فضایل اخلاقی»، بند یک اصل ۲۱ به «زمینه مساعد برای رشد شخصیت»، اصل ۵۰ به «حیات رو به رشد اجتماعی» و اصل ۱۵۴ به آرمان بودن «سعادت انسان در کل جامعه بشری» اشاره کرده‌اند که همگی در صورت بالفعل شدن لیاقت‌ها و استعداد‌های افراد و فعالیت و تلاش در مسیر انتخابی زندگی، امکان تحقق دارند. امری که ق.ا. نیز از آن غافل نبوده و بند ۴ اصل ۳ به وظیفه دولت در تقویت روح ابتکار، بند ۳ اصل ۴۳ به فرصت کافی برای خودسازی معنوی و اجتماعی و افزایش ابتکار و اصل ۱۲۱ به «استعداد و صلاحیت»^۱ تصریح نموده که ارزیابی همه این موارد به صورت یک دیوان و مجموعه، نشان‌دهنده حق افراد بر تعیین سرنوشت خود است که از قضا در اصل ۵۶ به زیباترین شکل ممکن، منعکس شده: «حاکمیت مطلق بر جهان و انسان از آن خدا است و هم او، انسان را بر سرنوشت اجتماعی خویش حاکم ساخته است. هیچ‌کس نمی‌تواند این حق الهی را از انسان سلب کند یا در خدمت منافع فرد یا گروهی خاص قرار دهد و ملت این حق خداداد را ...». در این اصل از حق مزبور با اوصاف «الهی» و «خداداد» یاد شده که سابقه‌ای در سایر موارد ندارد. حق بر تعیین سرنوشت، نه یک حق ساده که حقی است مرکب و دربرگیرنده تمامی حق‌ها در تمام ابعاد. کما اینکه در اصل ۵۶، پسوند «اجتماعی» گرفته و در بند ۸ اصل ۳، چهار وصف جامع «سیاسی،

۱. اصل ۱۲۱، متن سوگندنامه رئیس جمهور: «من به‌عنوان رئیس جمهور... سوگند یاد می‌کنم که ... همه استعداد و صلاحیت خویش را در راه ایفای مسئولیت‌هایی که بر عهده گرفته‌ام، به کار گیرم...».

اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی»^۱. بنابراین مجموعه حق‌های هنری از جمله: حق بر آزادی بیان هنری، حق بر آزادی انتخاب شغل یا حرفه هنری و حق بر آزادی آموزش هنر و حق بر آموزش هنر؛ حق بر تعیین سرنوشت هنری را تشکیل می‌دهند که ذیل حق بر تعیین بر سرنوشت اجتماعی و فرهنگی قرار می‌گیرد و اگر ق.ا. حق بر تعیین سرنوشت اجتماعی و فرهنگی را پذیرفته که چنین است؛ حق بر تعیین سرنوشت هنری را هم شناسایی نموده و باز تکرار می‌شود که این حق و این آزادی، نظام تأمینی و صدور مجوز برای تولید و عرضه آثار هنری را بر نمی‌تابد و نظام مزبور، این حق‌ها را نقض یا بسیار بسیار حداقلی می‌کند.

لذا حکومت نه تنها وظیفه‌ای در صدور مجوز آثار هنری ندارد، بلکه مسئولیت دارد از تعرض به حق‌های هنری جلوگیری کند و سپر بالای هنرمندان شود. مسئولیتی قابل تلخیص در: مسئولیت حکومت در حمایت از حق‌ها و آزادی‌ها^۲ که در ق.ا. نیز مستندات فراوانی دارد. چنان‌که وفق بند ۲ اصل ۴۳، یکی از «ضوابط» اقتصاد جمهوری اسلامی ایران، «تأمین شرایط و امکانات کار برای همه به منظور رسیدن به اشتغال کامل و قراردادن وسایل کار در اختیار همه کسانی که قادر به کار هستند، ولی وسایل کار ندارند» می‌باشد و بر این اساس، دولت مکلف به تأمین شرایط امکانات کار برای همه زمینه‌ها از جمله مشاغل هنری است و در این راه، مبانی ذیل در ق.ا. شایسته توجه است:

۱. بند ۲ اصل ۳ مشعر بر «بالا بردن سطح آگاهی‌های عمومی در همه زمینه‌ها با استفاده صحیح از مطبوعات و رسانه‌های گروهی و وسایل دیگر» که با عنایت به تفسیر پیش‌گفته از واژه «مطبوعات»، شمول کلمه «همه زمینه‌ها» به زمینه‌های هنری؛ و جای گرفتن آثار هنری در شمول «وسایل دیگر» در جهت استیفای حقوق و آزادی‌های مردم، مستند محکمی برای آزادی‌های هنری است، زیرا، «بالا بردن سطح آگاهی‌های عمومی» و «استفاده صحیح از رسانه‌های گروهی و وسایل دیگر» و در بحث ما «استفاده صحیح از آثار هنری»، جز از طریق آزاد گذاشتن مقوله هنر و صرف تعقیب موارد تخلف و جرم، حاصل نمی‌شود.

۱. اصل ۳ ق.ا.: «دولت جمهوری اسلامی ایران موظف است... همه امکانات خود را برای امور زیر به کار برد: ... ۸ - مشارکت عامه مردم در تعیین سرنوشت سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی خویش».

۲. نگاه کنید به: حسن‌وند، محسن، **مسئولیت حمایت: رویارویی حاکمیت دولت با حقوق بشر**، تهران، شرکت سهامی انتشار، چاپ اول، ۱۳۹۳.

۲. بند ۱۵ اصل ۳ مبنی بر «توسعه و تحکیم برادری اسلامی و تعاون عمومی بین همه مردم» که مبنایی مطلوب برای پلورالیسم یا کثرت‌گرایی و در موضوع ما، کثرت‌گرایی در زمینه‌های هنری است. امری که با فراهم نمودن فضای گفت‌وگو و مفاهمه همه‌گرایش‌ها و آرا من‌جمله از طریق آثار هنری و بیان هنری، انجام شدنی است.

۳. بند ۱۳ اصل ۳ که «تأمین خودکفایی در علوم و فنون صنعت... و مانند این‌ها» را در زمره تکالیف دولت گذارده که از یک‌سو، جزء ب بند ۶ اصل ۲ با شناسایی «استفاده از علوم و فنون و تجارب پیشرفته بشری و تلاش در پیشبرد آنها» در شیوه‌های تأمین ابعاد مختلف قسط و عدل از جمله وجه فرهنگی آن و بند ۷ اصل ۴۳ با اعلام «استفاده از علوم و فنون و تربیت افراد ماهر به نسبت احتیاج برای توسعه و پیشرفت اقتصاد کشور» به‌عنوان یکی از ضوابط نظام اقتصادی، با تأکید بر جایگاه تجربه بشر و مظاهر تمدن و از سوی دیگر، بند ۹ همان اصل^۱ و قسمت اخیر اصل ۳۰^۲ با تأکید بر خودکفایی کشور، آن را تثبیت نموده‌اند. این مستندات به وضوح، مظاهر تجارب بشری و محصولات آن و در بحث ما، آثار هنری را تأیید و حمایت از آن را وظیفه حکومت تلقی کرده‌اند. لذا حکومت می‌بایست با تأمین بستری آزاد برای تولید و ارائه آثار خلاقه، در جهت خودکفایی هنری کشور نیز مجاهدت نماید. اقدامی که موجبات ممنوعیت «سلطه بیگانه بر فرهنگ و دیگر شئون کشور» - هدف مندرج در اصل ۱۵۳ ق.ا. - را نیز فراهم می‌کند، زیرا، وقتی هنرمند در آزادی کامل، آثارش را تولید و عرضه نماید و در این مسیر، بی‌نیاز از اذن حکومت باشد، فضا برای بالندگی عرصه هنر، به‌تدریج ایجاد و خود به خود، هنر کشور به جای تأثیرپذیری از جریان‌های جهانی، خود منشأ اثر شده و به‌صورت طبیعی و نه، تحمیلی، تصنعی و بخشنامه‌ای؛ هنر ایران، خود را به هنر جهان، تحمیل می‌نماید.

۱. اصل ۴۳ ق.ا.: «... اقتصاد جمهوری اسلامی ایران بر اساس ضوابط زیر استوار می‌شود: ... ۹ - تأکید بر افزایش تولیدات ... صنعتی که نیازهای عمومی را تأمین کند و کشور را به مرحله خودکفایی برساند و از وابستگی برهاند».

۲. اصل ۳۰ ق.ا.: «دولت موظف است... وسایل تحصیلات عالی را تا سرحد خودکفایی کشور به‌طور رایگان گسترش دهد...».

نتیجه‌گیری

از ابتدای پیروزی انقلاب تاکنون، تقریباً در تمام قوانین و مقررات، شیوه نظارت حکومت بر آثار هنری به‌ویژه سینما، تئاتر و موسیقی، نظام تأمینی یا پیشگیرانه بوده. طریقه‌ای ناقض و تحدیدکننده حق‌های هنری نظیر آزادی بیان هنری و انتخاب حرفه هنری که ابتکار عمل را از هنرمند به حکومت منتقل می‌کند. اما نظام تعقیبی، اجازه قبلی نمی‌خواهد و اساساً صلاحیت حکومت برای مداخله قبل و حین تولید و عرضه آثار هنری را شناسایی نکرده، زیرا، همه نظارت‌ها را به اصل قانونی بودن جرائم و مجازات‌ها ارجاع می‌دهد. در این میان، بررسی ق.ا. با رویکرد تفسیری جامع و کل‌نگر، غایی، معطوف به چرایی تصویب ق.ا. و شیوه تفسیر در عرصه حقوق عمومی، نشان داد که نظر به: ۱- صراحت اصول ۲۳ و ۲۴ در اصل بودن حق بر آزادی بیان و عدم انحصار این مهم در شکلی خاص و اینکه آثار هنری نیز، جلوه‌ای از بیان هستند. ۲- مستندات متعدد در مقدمه ق.ا. ۳- مبانی جمهوری اسلامی متجلی در اصول متعدد مثل ۲، ۳، ۴، ۱۹، ۲۰، ۲۱، ۲۲، ۲۳، ۲۴، ۲۶، ۲۷ و ۲۸ تا جایی که این مهم را حق همه مردم جهان می‌داند. ۶- تسری حق‌های تصریح نشده است و از سوی دیگر، اصل آزادی در شئون مختلف زندگی شهروندان را نمایان ساخته. ۵- منزلت منحصر بفرزادگی‌ها در ق.ا. قابل ذکر در اصولی مثل ۲، ۳، ۴، ۱۲، ۱۳، ۲۶، ۲۷ و ۲۸ تا جایی که این مهم را حق همه مردم جهان می‌داند. ۶- تسری حق‌های خاص پیش‌بینی شده از جمله حق بر آموزش، حمایت مادی و معنوی از آثار هنری و در کل، حق تعیین سرنوشت فرهنگی و اجتماعی به وادی هنر و آثار هنری؛ ق.ا. بغایت، مستعد نظام تعقیبی بوده و افاده نظام صدور مجوز از آن، ناممکن است و این یعنی تمامی قوانین و مقررات حقوق موضوعه در سال‌های پس از پیروزی انقلاب، مغایر با ق.ا. بوده. گفتنی است در سال ۵۸، دو الگو پیش‌روی مقنن اساسی بود: یکی، تصریح به آزادی بیان به‌صورت مطلق یا همراه با شیوه‌هایی کلی یا جزئی^۱ و دیگری، تصریح به آزادی هنر.^۲ اما در ق.ا. ایران با کنار گذاشتن

۱. به‌عنوان مثال نگاه کنید به: ۱- ماده ۴۱ ق.ا. الجزایر. ۲- صدر ماده ۲۳ ق.ا. نیجر. ۳- ماده ۹ ق.ا. مراکش. ۴- اصلاحیه اول ق.ا. آمریکا مصوب ۱۷۹۱م. ۵- ماده ۲۱ ق.ا. ژاپن. ۶- ماده ۸ ق.ا. سنگال. ۷- جز الف بند ۱ ماده ۲۰ ق.ا. اسپانیا. ۸- ماده ۲۱ ق.ا. ایتالیا.

۲. به‌عنوان مثال نگاه کنید به: ۱- بند ۱ ماده ۲۲ ق.ا. کره جنوبی. ۲- ماده ۵ ق.ا. آلمان. ۳- صدر ماده ۳۳ ق.ا. ایتالیا.

الگوی دوم، شیوه اول به کار برده شده، ولی به طور ناقص؛ زیرا، حتی از تصریح به آزادی بیان و سپس ذکر مصادیق عمده، جزئی یا حتی آزادی بیان مطلق، اجتناب شده است. اما «چه غم دیوار امت را، که دارد چون تو پشتیان / چه باک از موج بحر، آن را که باشد نوح کشتیان»^۱ که راهکار تفسیر، همیشه در اختیار ما است.

۱. سعدی، مصلح‌الدین، پیشین.

فهرست منابع

کتاب‌ها

۱. آبراهامیان، یرواند، **تاریخ ایران مدرن**، ترجمه: محمد ابراهیم فتاحی، تهران، نی، چاپ نهم، ۱۳۹۲.
۲. اداره کل امور فرهنگی و روابط عمومی مجلس شورای اسلامی، **صورت مشروح مذاکرات مجلس بررسی نهایی قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران**، تهران، مجلس شورای اسلامی، ۱۳۶۴، جلد‌های ۱ (جلسه اول تا سی و یکم)، ۳ (جلسه پنجاه و یکم تا شصت و هفتم [آخر]) و ۱۳۶۸، جلد ۴ (راهنمای استفاده از مشروح مذاکرات همراه با معرفی مجلس و اعضای خبرگان).
۳. حسن‌وند، محسن، **مسئولیت حمایت: رویارویی حاکمیت دولت با حقوق بشر**، تهران، شرکت سهامی انتشار، چاپ اول، ۱۳۹۳.
۴. حسینی بهشتی، محمد، (بنیاد نشر آثار و اندیشه‌های شهید آیت الله بهشتی)، **مبانی نظری قانون اساسی**، تهران، بقعه، چاپ دوم، ۱۳۷۸.
۵. سعدی، مصلح‌الدین، **گلستان سعدی**، شرح لغات و تصحیح متن: حسین استاد ولی، تهران، قدیانی، چاپ چهارم، ۱۳۶۸.
۶. طباطبایی مؤتمنی، منوچهر، **آزادی‌های عمومی و حقوق بشر**، تهران، دانشگاه تهران، چاپ سوم، ۱۳۸۲.
۷. فرازی، صادق، **فرهنگ الفبایی واژگان قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران**، قم، فراز اندیشه، چاپ اول، ۱۳۸۲.
۸. محمدی (گرگانی)، محمد، **جستاری بر قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران**، تهران، شهردانش، چاپ اول، ۱۳۹۳.

مقاله‌ها

۹. جلالی فراهانی، امیرحسین، «پیشگیری وضعی از جرائم سایبر در پرتو

موازین حقوق بشر»، فقه و حقوق، سال دوم، پاییز ۸۴.

۱۰. حجاریان، سعید، «**قانون اساسی به مثابه میثاق ملی**» در: جمهوری‌ت؛ افسون‌زدایی از قدرت، تهران، طرح نو، چاپ دوم، ۱۳۸۸.
۱۱. کاتوزیان، ناصر، «**آزادی اندیشه در قانون اساسی و قانون مطبوعات**» (مصاحبه) در: گامی به سوی عدالت (مجموعه مقالات)، تهران، دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران، چاپ اول، ۱۳۷۸، جلد ۱.
۱۲. کاتوزیان، ناصر، «**آزادی و حدود آن در اسلام**»، گامی به سوی عدالت (مجموعه مقالات)، تهران، دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران، چاپ اول، ۱۳۷۸، جلد ۱.
۱۳. کاتوزیان، ناصر، «**اصول منطقی حاکم بر تفسیر قانون اساسی**» در: مهرپور، حسین، رئیس‌جمهور و مسئولیت اجرای قانون اساسی، تهران، اطلاعات، چاپ دوم، ۱۳۸۵، جلد ۲ (مجموعه مباحث چهارمین و پنجمین همایش هیئت پیگیری و نظارت بر اجرای قانون اساسی).
۱۴. کاتوزیان، ناصر، «**پیوندهای ناموزون در پیش‌نویس قانون اساسی**» در: گامی به سوی عدالت (مجموعه مقالات)، تهران، دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران، چاپ اول، ۱۳۷۸، جلد ۱.
۱۵. کاتوزیان، ناصر، «**تفسیر مفهوم اصل آزادی مطبوعات**»، در: مرکز مطالعات حقوق بشر و انجمن علمی دانشجویی حقوق دانشگاه تهران، مجموعه مقالات همایش حقوق مطبوعات، تهران، دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران، چاپ اول، ۱۳۸۹.
۱۶. کاتوزیان، ناصر، «**جایگاه حقوق اسلامی در نظم حقوقی**»، کانون وکلا، دوره جدید، شماره ۱۰ (پیاپی ۱۶۵-۱۶۴)، ۱۳۷۵.
۱۷. کاتوزیان، ناصر، «**مبانی فلسفی و حقوقی آزادی**» در: گامی به سوی عدالت (مجموعه مقالات)، تهران، دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران، چاپ اول، ۱۳۷۸، جلد ۱.
۱۸. مهرپور، حسین، «**دیدگاه اسلام در مورد آزادی عقیده و بیان**» در: دیدگاه‌های جدید در مسائل حقوقی، تهران، اطلاعات، چاپ سوم، ۱۳۸۷.
۱۹. ویژه، محمدرضا، «**قواعد تفسیر قانون اساسی**»، پژوهش حقوق و سیاست، سال

نهم، شماره ۲۲، بهار و تابستان ۸۶.

۲۰. هاشمی، سیدمحمد، «جامعه مدنی و نظام سیاسی»، تحقیقات حقوقی، شماره

۲۴-۲۳، پاییز و زمستان ۷۷.

